

صلح ، بخشیدنی نیست

بتاریخ بیست و دوم ماه دسامبر سال جاری، کنفرانس با شکوهی بخاطر یاد بود از چهلمین سال زندانی شدن مولانا عطا الله فیضانی در افغانستان ، از سوی ارادتمندان وی در بزرگ شهر تورنتو برگزار شد.

آنچه این نشست را از سایر نشستها متمایز میساخت، این بود که دوستداران فیضانی، علاوه از آنکه از این شخصیت توحیدی و مبارزاتی کشور یاد بود بعمل آوردند، سه رکن عمده ی جامعه ی انسانی و یا سه نیاز اولی بشر، یعنی " صلح – اتفاق و آزادی" را نیز موازی بدان، مطرح نموده بودند که تعدادی از اهل مدرسه و فرهنگ در اطراف این سه نیاز اشد جامعه ، سخنرانی نمودند.

همچنان، یکی دیگر از تمایزات این کنفرانس، این بود که چهره های مختلف با طرز دید مختلف، قومیت و زبان های مختلف کشور ما دران اشتراک ورزیده بودند.

من، در عین حالیکه تدویر همچو کنفرانسها و گرد همآیی های بین الافغانی در هرکجای دنیا را ارج میگذارم، آرزو دارم تسلسل این نشست ها و کنفرانسها، عاقبت، به حوصله افزایی ها، یکدیگر پذیری ها ، گشایش گره های کور سیاسی و اجتماعی و بالاخره، دست یابی به راه حل های مصایب و مشاکل ما افغانها منجر گردد.

بهمین منظور، خواستم اینک، طی همین صحبت، نکاتی را پیرامون ضرورت صلح، فقدان آن در جامعه ی ما و چگونه گی رسیدن به این هدف مهم ملی، به عرض برسانم:

تصور نمیکنم انسانی در جهان وجود داشته باشد که ارزش و اهمیت صلح و سلم در جامعه ی انسانی را نداند و آنرا نجوید. (البته به استثنای تروریستهای خون آشام در افغانستان و نقاط دیگر جهان). اما وقتی این ودیعه ی خوب انسانی در اینجا و آنجای گیتی خدشه بر میدارد و یا در اثر جنگها و شرانگیزی های بی خردان روی زمین نا پدید میگردد، صلح خواهان و صلح دوستان، نه تنها از این ناحیه سخت تکان میخورند، بلکه در جهت اعاده و تأمین مجدد این گمشده، دست و آستین بر میزنند و اندرین راه گام های مثبت و مؤثر بر میدارند.

در عین حال، آنانیکه آرزوی تأمین صلح در جامعه را مینمایند و یا بخاطر بدست آوردن آن به جدال و اقدام و مبارزه بر میخیزند، باید هنر انجام کار، شناخت منطقی ازدوست و دشمن، استعداد و آگاهی لازم در این بخش را نیز داشته باشند. یعنی باید بدانند چرا این نعمت ضروری بشری برهم خورده و یا از هم پاشیده است؟ اسباب و عوامل آشکار و پنهان آنهمه درهمی ها چیست؟ چگونه و با چه وسیله میتوان آنرا مجدداً حاصل کرد؟ با افراد و گروه هایی که صلح و آرامش جامعه را برهم زده اند، چگونه برخورد نمود؟ آیا تأمین صلح و سلم در جامعه ی انسانی، با درویره گری و دعا خوانی و کرنش وزاری میسر شده میتواند؟

هیچ تردیدی وجود ندارد که موجودیت صلح و امنیت در یک کشور، شرط اول رسیدن به آزادی و دموکراسی نیز است. یعنی، هر نوع سعی و تلاش

برای دسترسی به آزادی و بازسازی و دموکراسی، در بستر صلح سراسری و تأمین امنیت جانی و مالی افراد جامعه مقدور بوده میتواند و بس.

یکی از کاستی های کنفرانس متذکره در عین حال این بود که سخنرانان که از قبل تعیین شده بودند، سخنان شان عمدتاً کلیشه‌یی، روبنایی و حتا تکراری صورت گرفت و سخنرانان هرگز به کنه موضوع تماس نگرفته و به چراها پاسخی ندادند.

وقتی ما نیاز صلح و سلم در کشور مان را بیان میداریم و یا از نا امنی و بی ثباتی می نالیم ؛ منطقاً باید از پامال کننده گان و دشمنان صلح و سلم و برهم زننده گان اوضاع و احوال مملکت نیز نه تنها یاد کنیم ، بلکه آنرا با شدت تمام محکوم نیز نماییم.

به اعتقاد ما، دیگر زمان و ضرورت کلی گویی و کلیشه پردازی سپری شده است . مردم حیران ما به کنکاش و ریشه یابی و افشاگری و شناخت اصل و ناصل نیاز مبرم دارند.

اگر ما، صد ها بار از مزایای صلح و آزادی و اتفاق و اتحاد بگوییم ، مگر اسباب و عوامل این کاستی ها را بیان نکنیم و راه های معقول رسیدن به هدف را نشناسیم و نشناسانیم ، هرگز نمیتوانیم در راه تأمین صلح و آزادی و عدالت و امثالهم کاری را از پیش بریم .

چنانکه از مدتیست رییس جمهور افغانستان به اساس اشاره و برنامه ی اربابان خارجی اش، در مورد مذاکره با گروه های انتحاری و تروریستی و تأمین صلح در کشور، سینه پاره میکند، به هر شاخ و برگ دست می اندازد، حلقه ی درب میر و ملک و دوست و دشمن را می کوبد، دشمنان صلح و

آزادی را " برادر " میخواند، تعداد زیادی از افراد ایلجار، حقوق بگیر وحتا ناقضان حقوق بشر را برمحر شورای به اصطلاح عالی صلح گرد آورده وقت و پول زیادی را در این راه به هدر میدهد .

ولی رییس جمهور افغانستان هیچگاه جرأت آن را ندارد تا گروه های مسلح تروریستی و جنایتکاران ضد صلح و امنیت میهن عزیز ما و حامیان شناخته شده ی خارجی آنها را بنام قاتلان و جنایتکاران عصر محکوم کند و هرگز نمیخواهد مردم جانباز و قربانی شده ی ما را بمنظور مقابله و مقاومت در برابر تروریستهای جنایتکار و صادر شده از خارج بسیج نماید. همچنان وی به هیچ صورت نمیخواهد عوامل فساد و بی ثباتی و بیعدالتی در اداره ی خودش و سایر نهاد های حکومتی را که موجب جرأت بیشتر و تقویت گسترده تر گروه های مسلح انتحاری گشته است ، از میان بردارد.

پس آیا ، تنها با حلوا گفتن دهن شیرین خواهد شد؟ آیا این شیوه ی صلح طلبی را میتوان شیوه ی معقول و مؤثر دانست ؟ آیا با تداوم چنین کاسبکاریها، فرصت های مناسب و مساعد مبارزه با دشمنان سوگند خورده ی ملت افغانستان ضایع نخواهد شد و مردم ما از چاله به چاه فرود نخواهند رفت ؟

خواننده های گرامی با من موافق خواهند بود که نعمت صلح ، عطیه و عنایتی نیست که از سوی کسی، جناحی یا کشوری برای ملت افغانستان و یا هر ملت دیگر جهان ارزانی گردد. بلکه صلح، بعنوان حق مسلم بشری، باید با تدبیر، با قوت لازم واز راه مبارزه ی حق طلبانه و پُرُ صلابت ، از دشمنان خونخوار آن ستانیده شود. درآن پروسه ی صلح خواهی که دست غرض و مرض و نیات شوم سیاسی و استعماری نهفته باشد، و با دست و

دماغ هر قدرتی در هر کاخ و کلبه بی که به راه بیفتد، انجام پاک و پایداری نخواهد داشت و پروسه ی مذاکره و صلحخواهی دولت حامد کرزی نیز از این امر مستثناً بوده نمیتواند. (پایان)